

مدل علی روابط بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و خودتنظیمی در افراد وابسته به مواد

آیسان ابراهیمی^۱، علی زینالی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۲

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین روابط علی شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و خودتنظیمی در افراد وابسته به مواد مراجعه‌کننده به مراکز درمانی بود. **روش:** پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. تعداد ۴۴۹ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از جامعه آماری معنادران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های ترک اعتیاد شهرستان ارومیه، انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های سبک‌های والدینی، خودتنظیمی و سبک‌های دلبستگی اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری شده با ارائه دو مدل، به روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان دادند که در مدل پدران و مادران سبک‌های والدینی استبدادی و بی‌اعتنا اثر منفی و سبک‌های اقتداری و آزادگذار اثر مثبت ($P < 0/001$) بر خودتنظیمی داشتند. در هر دو مدل سبک‌های اقتداری و آزادگذار اثر مثبت بر سبک دلبستگی ایمن داشتند ($P < 0/001$)؛ اثر سبک استبدادی و بی‌اعتنا در مدل پدران بر سبک دلبستگی ایمن معنی‌دار نبود؛ ولی در مدل مادران اثر منفی داشت ($P < 0/05$)؛ اثر سبک آزادگذار بر سبک دلبستگی ایمن در هر دو مدل منفی، اثر سبک تربیتی بی‌اعتنا بر سبک نایمن نیز در هر دو مدل مثبت بود ($P < 0/001$)؛ اثر سبک استبدادی در هر دو مدل معنادار نبود. همچنین اثر سبک اقتداری بر سبک نایمن در مدل پدران منفی ($P < 0/001$) و در مدل مادران معنادار نبود؛ اثر دلبستگی نایمن بر خودتنظیمی در هر دو مدل منفی ($P < 0/001$) و اثر سبک دلبستگی ایمن بر خودتنظیمی در هر دو مدل معنادار نبود. **نتیجه‌گیری:** دلبستگی نایمن میانجی معنادار بین سبک‌های تربیتی والدین و خودتنظیمی معنادران به دست آمد. سبک‌های والدینی اقتداری و آزادگذار با کاهش دلبستگی نایمن در معنادران، موجب افزایش خودتنظیمی در آنان شده و سبک والدینی استبدادی با افزایش دلبستگی نایمن در معنادران، موجب کاهش خودتنظیمی در آنان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مصرف‌کننده مواد، سبک‌های والدینی، سبک‌های دلبستگی، خودتنظیمی

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران، پست الکترونیکی:

مقدمه

اعتیاد یک مشکل جهانی و پدیده‌ای آسیب‌زننده به اقتصاد، سلامتی و بنیان خانواده‌ها می‌باشد. به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی کشور ایران، اعتیاد از دیرباز یکی از چالش‌های این منطقه بوده است (شعبانی و مرادی، ۱۳۹۴). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (نسخه پنجم) (۱۳۹۳) مهمترین ویژگی وابستگی به مواد را مجموعه‌ای از نشانه‌های شناختی، رفتاری و روان‌شناختی می‌داند که شخص با وجود داشتن مشکلات قابل توجه در رابطه با مصرف مواد، به مصرف آن ادامه می‌دهد. علیرغم اثرات سوء مصرف مواد، دفتر پیشگیری از جرم و کنترل مواد سازمان ملل (۲۰۰۵؛ به نقل از دباغی، اصغرنژاد، عاطف و وحید و بوالهروی، ۱۳۸۶) شمار مصرف‌کنندگان مواد را در بین جمعیت ۶۴-۱۵ در سراسر جهان ۲۰۰ میلیون نفر برآورد کرده است. در ایران نیز شمار مصرف ۳/۳ تا ۸/۱ میلیون نفر برآورد شده که مواد افیونی بیشترین مواد مصرفی می‌باشد (عالم مهرجردی، مکرری و دولان، ۲۰۱۵). دلایل متعددی در سبب شناسی اعتیاد عنوان شده است. شواهد قویا موید این امر هستند که سبب شناسی مصرف و سوء مصرف مواد چند عاملی بوده و عوامل ژنتیکی، اجتماعی و روان‌شناختی همگی عوامل تعیین‌کننده هستند (اوینت و رایبیز، ۲۰۱۶). برای نمونه در بعد فردی و روان‌شناختی، برخی مهارت‌های فردی موثر بر اعتیاد، مانند مهارت خودتنظیمی مورد توجه محققان (زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا، ۲۰۱۱؛ زینالی، ۲۰۱۴؛ اوینت و رایبیز، ۲۰۱۶) بوده است.

مهارت‌های خود تنظیمی را می‌توان به عنوان دربرگیرنده رفتارهای معطوف به هدف تعریف کرد که به شخص اجازه می‌دهد خشنودی کوتاه مدت را برای به‌دست آوردن نتایج مورد علاقه در آینده به تأخیر بیاورد (کری، نائل و کولین، ۲۰۰۴)، از سوی دیگر خودتنظیمی به عنوان کوشش‌های روانی در کنترل وضعیت درونی، فرایندها و کارکردها جهت دستیابی به اهداف بالاتر تعریف شده است (وس و بامیستر، ۲۰۱۶)، در این راستا، کانفر^۵ (۱۹۷۰) سه مرحله خودتنظیمی، خودبازبینی، خودارزیابی و خودتقویتی را در نظریه

1. Dolan
2. Everitt, & Robbins
1. Carey, Neal, & Collins

4. Vohs, & Baumeister
5. Kanfer

خود به كار برد. نقص در هر يك از اين فرايندهاي خودتنظيمي مي تواند نقشي در اختلالات تنظيم رفتاري همچون اختلالات اعتيادي داشته باشد (فischer و براون، ۲۰۱۰). برخي محققان، همچون بخشاني و حسين بور (۲۰۱۲) نشان دادند كه افراد وابسته به مواد در مقايسه با گروه كنترل مهارت هاي خودتنظيمي پاييني دارند. خودتنظيمي پايين به شدت با رفتارهاي پرخطر سلامتي، از جمله مصرف مواد همبسته مي باشد. Fischer و براون (۲۰۱۰) معتقدند افراد داراي خودتنظيمي پائين در مواجهه با مشكلات يا موقعيت هاي مصرف مواد، توانايي كنترل هيجانان يا توانايي كنترل لذت را ندارند، و مصرف مواد را به عنوان کوتاه ترين راه حل انتخاب مي كنند. بشارت، نوربخش، رستمي و فراهاني (۱۳۹۱)، در مطالعه خود بين خودتنظيمي و اختلال هاي مرتبط با مصرف مواد رابطه مثبت گزارش نمودند، با اين حال خودتنظيمي خود متاثر از متغيرهاي سطح بالاتر همچون خانواده، مدرسه و اجتماع مي باشد. برخي محققان (آبار، كارتر و وينستلر^۴، ۲۰۰۹؛ زينالي، ۲۰۱۴) تاثير سبك هاي فرزند پروري و سبك هاي دلبستگي خانواده بر خودتنظيمي فرزندان اشاره کرده اند.

هر خانواده اي، شيوه هاي خاصي را در تربيت فردي و اجتماعي فرزندان خويش به كار مي گيرد. اين شيوه ها سبك هاي والديني ناميده مي شوند و متاثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي و غيره مي باشند (گل محمدي، ۱۳۹۰). بامریند^۳ (۱۹۷۱) سه سبك والديني مقتدر، مستبد، و سهل گير^۴ را معرفي مي كند. بعدها مك كوبي و مارتين^۵ (۱۹۸۳) سبك والديني بي اعتنا^۶ را به اين سبك ها اضافه كردند. سبك والديني مقتدر، قاطع اما حمايت كننده هستند؛ سبك والدين مستبد، شديدت كنترل كننده هستند؛ سبك سهل گير، آسان گير بوده و از مقابله اجتناب مي كنند. در سبك والديني بي توجه، والدين بر فرزندان شان نظارت نداشته و حمايت كننده نيستند اما ممكن است فعالانه مسؤليت هاي پرورش فرزندشان را رد کرده يا نادیده بگیرند (بامریند، ۱۹۹۱).

1. Fisher, & Brown
2. Abar, Carter, & Winsler
3. Baumrind

4. Authoritative, authoritarian, & permissive
5. Maccoby, & Martin
6. neglectful

در زمینه ارتباط سبک‌های فرزندپروری و خودتنظیمی، پژوهش آبار و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد فرزندپروری مقتدر با سطوح بالایی از خودتنظیمی همراه است. زینالی (۲۰۱۴) نشان داد که پدر و مادر مقتدر ارتباط مثبت و معناداری با خودتنظیمی دارد. فرزندپروری مقتدر به عنوان یک سبک کارآمد، خودتنظیمی را افزایش داده و فرزندپروری مستبد و بی توجه به عنوان سبک ناکارآمد خودتنظیمی را کاهش می‌دهد. سبک‌های فرزندپروری علاوه بر خودتنظیمی، به صورت مستقیم در گرایش فرزندان به مواد نیز تاثیر دارد (گریفین و بوتوین، ۲۰۱۰). سبک والدینی بی توجه با پیامدهای بدتر مصرف مواد مرتبط می‌باشد (برگ، ساندل، اوجگان و هاکانوس، ۲۰۱۶). سبک والدینی مادر و پدر ادراک شده به عنوان بی توجه، سهل گیر و مستبد با مصرف مواد مرتبط هستند. سبک والدینی مقتدر بیشترین حمایت علیه مصرف مواد را داشته، در صورتی که سبک والدینی بی اعتنا خطر مصرف مواد را افزایش می‌دهد (بکونا^۳ و همکاران، ۲۰۱۲).

علاوه بر سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی نیز از جمله متغیرهای خانوادگی موثر بر خودتنظیمی (زینالی و همکاران، ۲۰۱۱) و گرایش به مصرف مواد (زینالی، ۲۰۱۴) می‌باشند. دلبستگی پیوند عاطفی پایداری است که ویژگی آن جوارجویی با شخصی خاص در زمانی ویژه است. در این چارچوب، تعاملات مکرر با مراقبین اولیه به باورها، قواعد، انتظارات، طرز فکر و رفتار شکل می‌دهند (بالبی، ۴، ۲۰۰۸). اینثورت^۵ (۲۰۰۸) سه سبک دلبستگی ایمن، اجتماعی و دوسوگرا را تشخیص داد، افراد ایمن در هنگام مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا از راهبردهای مثبتی چون کمک‌گیری از دیگران استفاده می‌کنند؛ افراد با سبک دلبستگی اجتنابی در رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا، نمی‌توانند از حمایت دیگران بهره‌گیرند؛ افراد با سبک دوسوگرا نیز به دلیل حساسیت بیش از حد نسبت به عواطف از درخواست حمایت اجتماعی محروم می‌مانند (گرین، فرنر و مک آلستر، ۲۰۰۷). به عقیده کوک (۱۹۹۱)؛ به نقل از بشارت، نوربخش، رستمی، و فراهانی،

1. Griffin, & Botvin
6. Berge, Sundell, Öjehagen, & Håkansson
3. Becona

4. Bowlby
5. Ainsworth
6. Green, Furrer, & McAllister

۱۳۹۱)، دل‌بستگی ضعیف در دوران اولیه کودکی باعث قرار گرفتن فرد در خطر مصرف مواد می‌شود به طوری که بین اعضا خانواده‌هایی که فاقد روابط صمیمی والد-فرزندی بوده و دل‌بستگی ایمن را تجربه نکرده‌اند میزان ابتلا به اعتیاد بیشتر بوده است. به عقیده واترز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) والدین پاسخ‌دهنده و حمایت‌گر، منجر به ایجاد دل‌بستگی ایمن و به تبع آن خودتنظیمی بالا و افزایش مدیریت عواطف منفی در بین فرزندان می‌شوند؛ لذا دل‌بستگی ایمن به واسطه افزایش خودتنظیمی هیجانی می‌تواند بازدارنده گرایش به مصرف مواد باشد. در مقابل دل‌بستگی ناامین به واسطه کاهش توانایی تنظیم هیجانی، کاهش مهارت‌های کسب حمایت اجتماعی و افزایش احساسات منفی می‌تواند باعث گرایش به مصرف مواد در شرایط بحرانی گردد (فلور، گرات و اولراندی^۲، ۲۰۱۳).

سبک‌های فرزندپروری نقش موثری را در توانایی‌های خودتنظیمی ایفا می‌کند (آبار و همکاران، ۲۰۰۹؛ زینالی، ۲۰۱۴)؛ به طوری که سبک‌های والدینی مثل سبک مستبد به دلیل خاصیت کنترل‌کنندگی، کاهش اعتماد به نفس و ایجاد خودپنداره منفی باعث کاهش توانایی‌های خودتنظیمی و گرایش به مواد در بزرگسالی می‌شوند (بارگ و همکاران، ۲۰۱۶). از دیگر سو سبک‌های تربیتی و نحوه رابطه والدین با فرزند، منجر به شکل‌گیری سبک‌های دل‌بستگی در فرزندان می‌شود (بالبی، ۲۰۰۸). سبک‌های دل‌بستگی همسو با سبک‌های فرزندپروری با توانایی تنظیم هیجانی فرزندان رابطه تنگاتنگی دارند، به طوری که تحقیقات (واترز و همکاران، ۲۰۱۰؛ فلور و همکاران، ۲۰۱۳) نشان دادند سبک‌های دل‌بستگی ناایمن با خودتنظیمی پایین و سبک‌های دل‌بستگی ایمن با خودتنظیمی بالا رابطه مستقیم دارند. از آنجایی که سبک‌های فرزندپروری مستبد، سبک‌های دل‌بستگی ناایمن (فلور و همکاران، ۲۰۱۳) و خودتنظیمی پائین (فیشر و براون، ۲۰۱۰) با گرایش به مصرف مواد در بزرگسالی رابطه مستقیم دارند، می‌توان گفت سبک‌های دل‌بستگی در روابط بین سبک‌های فرزندپروری و خودتنظیمی نقش واسطه دارد. در تحقیقات حول دلایل مصرف مواد به آن پرداخته نشده است. در این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی این سوال

هستیم که آیا رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با خود تنظیمی به واسطه سبک‌های دلبستگی دارای برآزش مناسبی می‌باشد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش اجرای پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی معتادان مراجعه کننده به کلینیک‌های ترک اعتیاد شهرستان ارومیه در سال ۹۴ بود، که تعداد کل آن‌ها ۱۵۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. تعداد نمونه مناسب برای مطالعه حاضر ۴۴۹ نفر و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. از این تعداد ۳۶۹ نفر مرد و ۸۰ نفر زن بود. بیشترین میزان سنی بین ۳۵ تا ۴۰ سال، و بیشترین میزان تحصیلات مقطع ابتدایی بود. نحوه انتخاب نمونه به این صورت انجام گرفت. بعد از اخذ مجوز از بهزیستی ارومیه، کلینیک‌های موجود شناسایی شدند و شهرستان ارومیه به دو منطقه شمال و جنوب تقسیم شد. از هر منطقه یک مرکز ترک اعتیاد دولتی و دو مرکز ترک اعتیاد خصوصی به تصادفی انتخاب شد. با استفاده از روش تصادفی منظم (متناسب با جمعیت معتادان) افراد انتخاب شدند.

ابزار

۱- پرسش‌نامه سبک‌های والدینی: از پرسش‌نامه سبک‌های والدینی زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا (۱۳۹۰) استفاده شد. این پرسش‌نامه ۴ شیوه تربیتی والدین (استبدادی، اقتداری، آزادگذار و بی‌اعتنا) را براساس مدل نظری شیوه‌های تربیتی والدین بامیرند (۱۹۷۱) و مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) به طور همزمان از طریق فرزندان اندازه‌گیری می‌کند. مطالعات بامیرند (۱۹۷۱) و مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) برای اقتدار والدینی برحسب دو مشخصه توقع و پاسخ‌دهی، چهار شیوه تربیتی والدین را توصیف می‌کند. پرسش‌نامه شیوه‌های تربیتی مربوط به پدر ۲۷ گویه، شیوه تربیتی استبدادی ۹ گویه، اقتداری ۹ گویه، آزادگذار ۵ گویه و بی‌اعتنا ۴ گویه، دارد. برای مادر نیز ۲۵ گویه، شیوه تربیتی استبدادی ۹ گویه، اقتداری ۷ گویه، آزادگذار ۵ گویه و بی‌اعتنا ۴ گویه، دارد. زینالی و دیگران

(۱۳۹۰) اعتبار از روش آلفای کرونباخ برای نسخه پدران را برای خرده‌مقیاس‌های اقتداری، استبدادی، آزادگذار و بی‌اعتنا به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۸۰، و برای کل ۰/۷۳ و برای نسخه مادران به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۰، ۰/۶۳، ۰/۷۷، و برای کل ۰/۷۰ گزارش کردند. روایی سازه از روش تحلیل عاملی تاییدی برآورد شد. شاخص‌های برازندگی در نسخه پدران (مجذور خی ۵۹۲/۸۵، شاخص مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی ۱/۸۶، شاخص برازندگی تطبیقی ۰/۹۳، شاخص بنتلر-بونت ۰/۹۰ و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب ۰/۰۶) در حد مطلوب برآورد شدند. همچنین شاخص‌های برازندگی برای نسخه مادران (مجذور خی ۳۹۹/۶۸، شاخص مجذور خی تقسیم بر درجه آزادی ۱/۴۹، شاخص برازندگی تطبیقی ۰/۰۹، و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب ۰/۰۵) در حد مطلوب برآورد شد. در مطالعه حاضر ضرایب آلفای کرونباخ سبک‌های والدینی استبدادی، اقتداری، آزادگذار و بی‌اعتنا به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۷، ۰/۷۱ و ۰/۹۲ به دست آمد.

۹۷

۲- پرسش‌نامه خودتنظیمی: در این پژوهش از فرم کوتاه پرسش‌نامه خودتنظیمی

97

استفاده شد. این فرم را کری، نیل و کالینز (۲۰۰۴) ایجاد نمودند که ۷ بعد خودتنظیمی را ارزیابی می‌نماید. کری و همکاران (۲۰۰۴) در ارزیابی روان‌سنجی از این پرسش‌نامه شواهدی برای روایی همگرا و تمییز آن ارائه نمودند. همچنین اعبار به روش آلفای کرونباخ را ۰/۹۲ گزارش کردند. زينالی و همکاران (۲۰۱۱) ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۸۸ و رضایی، اسفندیاری و سرفوقد (۱۳۸۹) ۰/۷۳ گزارش نمودند. نتایج پژوهش کری و همکاران (۲۰۰۴) از روایی سازه پرسش‌نامه SSRQ حمایت می‌کند. همچنین همبستگی بین فرم اصلی و فرم کوتاه شده ۰/۹۶ گزارش شد (کری و همکاران، ۲۰۰۴). زينالی و همکاران (۲۰۱۱) فرم کوتاه شده را روایی کردند. روایی پرسش‌نامه با نمونه ۲۰۵ نفری از دانش‌آموزان ایرانی (ارومیه) از طریق تحلیل عاملی تاییدی مطلوب گزارش شد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی، پرسش‌نامه خود تنظیمی را با ۲۸ گویه در دامنه ۰/۳۰ تا ۰/۶۰ روی یک عامل بارگزاری کرد. شاخص‌های برازندگی در حد مطلوب بودند

($CMI\text{N}/Df = 2/54$, $CFI = 0/94$, $NFIRMSEA = 0/06$). در این مطالعه آلفای کرونباخ $0/87$ به دست آمد.

۳- پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی: از پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی ون آدنون، هافسترا و بکر^۱ (۲۰۰۳) استفاده شد. این پرسش‌نامه یک سبک دلبستگی ایمن و سه سبک دلبستگی نا ایمن (اشتغال خاطر، هراسان، دوری‌گزین) را براساس مدل نظری بالبی (۱۹۸۰) و بارسولومو و هوروویتز (۱۹۹۱) اندازه‌گیری می‌کند. اعتبار به روش آلفای کرونباخ در سه کشور لهستان، روسیه و مجارستان به ترتیب برای سبک‌های دلبستگی ایمن $0/71$ ، $0/67$ و $0/73$ ؛ هراسان، $0/74$ ، $0/71$ و $0/80$ ؛ اشتغال خاطر، $0/70$ ، $0/66$ و $0/68$ ؛ و دوری‌گزین، $0/63$ ، $0/49$ و $0/65$ گزارش شده است (پولک، ون آدنون، و تن‌برگ^۲، ۲۰۰۸). در پژوهش بلوم، ون میدندورپ و گتن^۳ (۲۰۱۲) آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی اشتغال خاطر، هراسان، دوری‌گزین و هراسان به ترتیب $0/80$ ، $0/80$ ، $0/73$ و $0/78$ به دست آمد. زینالی و همکاران (۲۰۱۱) ضریب آلفا را برای سبک دلبستگی ایمن، هراسان، اشتغال خاطر و دوری‌گزین به ترتیب $0/74$ ، $0/71$ ، $0/70$ و $0/69$ گزارش نمودند. زینالی و همکاران (۲۰۱۱) این پرسش‌نامه را روایی‌یابی نمودند. روایی سازه در نمونه‌ی ۲۰۵ نفری از طریق تحلیل عاملی تأییدی مناسب ارزیابی شد. نتایج تحلیل عاملی، نسخه‌ی جدیدی از پرسش‌نامه را با ۱۹ گویه ارائه نمود که ۴ عامل را می‌سنجید. شاخص‌های برازندگی در حد مطلوب ارزیابی شدند ($CMI\text{N}/Df = 1/99$, $CFI = 0/91$, $NFI = 0/90$). در این مطالعه آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین به ترتیب $0/72$ ، $0/78$ و $0/68$ به دست آمد.

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Van Oudenhoven, Hofstra, & Bakker

2. Polek, Van Oudenhoven, & Ten Berge

3. Blom, van Middendorp, & Geenen

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

متغیرها	ویژگی جمعیت	فراوانی	درصد	متغیرها	وضعیت	فراوانی	درصد
سن	۲۰ تا ۴۰	۲۵۰	۵۵/۷	ماده مصرفی	هروئین	۲۷۲	۶۰/۶
	۴۱ تا ۶۰	۱۸۱	۴۰/۳		تریاک	۳۹	۸/۷
	۶۱ تا ۸۰	۱۸	۴		کراک	۲۱	۴/۷
تحصیلات	ابتدایی	۱۵۵	۳۴/۵	روش	شیشه و	۱۱۷	۲۶/۱
	راهنمایی	۱۳۳	۲۹/۶		تدخینی	۳۲۸	۷۳/۱
	دیپلم	۱۱۳	۲۵/۲		تزریقی	۱۰۸	۲۴/۱
	لیسانس	۴۸	۱۰/۷		خوراکی	۱۳	۲/۹
شغل	کارمند	۶	۱/۳	مصرف	زیر ۱۰ سال	۱۹۶	۴۳/۷
	آزاد	۱۹۰	۴۲/۳		۲۰ تا ۳۰ سال	۱۹۲	۴۲/۸
	کارگر	۵۹	۱۳/۱		بالای ۳۰ سال	۶۱	۱۳/۶
وضعیت تاهل	مجرد	۱۳۴	۲۹/۸	سابقه ترک	۱ تا ۳ بار	۱۸۸	۴۱/۹
	متاهل	۱۲۸	۲۸/۵		۴ تا ۱۰ بار	۱۱۴	۲۵/۴
	مطلقه	۱۸۷	۴۱/۶		بیش از ۱۰ بار	۱۴۷	۳۲/۷

آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
شیوه تربیتی استبدادی پدر	۲۰/۵۸	۵/۴۰	۰/۶۴	-۰/۸۳
شیوه تربیتی اقتداری پدر	۲۷/۶۰	۶/۴۲	۰/۰۵	-۰/۷۸
شیوه تربیتی آزادگذار پدر	۱۱/۴۲	۲/۹۷	۰/۱۷	-۰/۹۶
شیوه تربیتی بی اعتنا پدر	۱۰/۰۷	۳/۵۵	۰/۴۲	-۰/۲۲
شیوه تربیتی استبدادی مادر	۲۰/۱۰	۵/۴۲	۰/۷۱	-۰/۶۳
شیوه تربیتی اقتداری مادر	۲۶/۸۲	۶/۲۵	۰/۰۶	-۰/۸۴
شیوه تربیتی آزادگذار مادر	۱۱/۱۶	۲/۹۱	۰/۲۰	-۱/۰۴
شیوه تربیتی بی اعتنا مادر	۱۰/۲۶	۳/۴۲	۰/۳۹	۰/۰۱
سبک دلبستگی ایمن	۱۸/۲۸	۴/۸۸	-۰/۴۳	-۰/۹۳
سبک دلبستگی نایمن	۳۳/۶۸	۱۰/۲۲	۰/۹۸	۱/۸۲
خود تنظیمی	۱۰۰/۹۱	۱۸/۸۷	-۰/۶۱	۰/۱۲

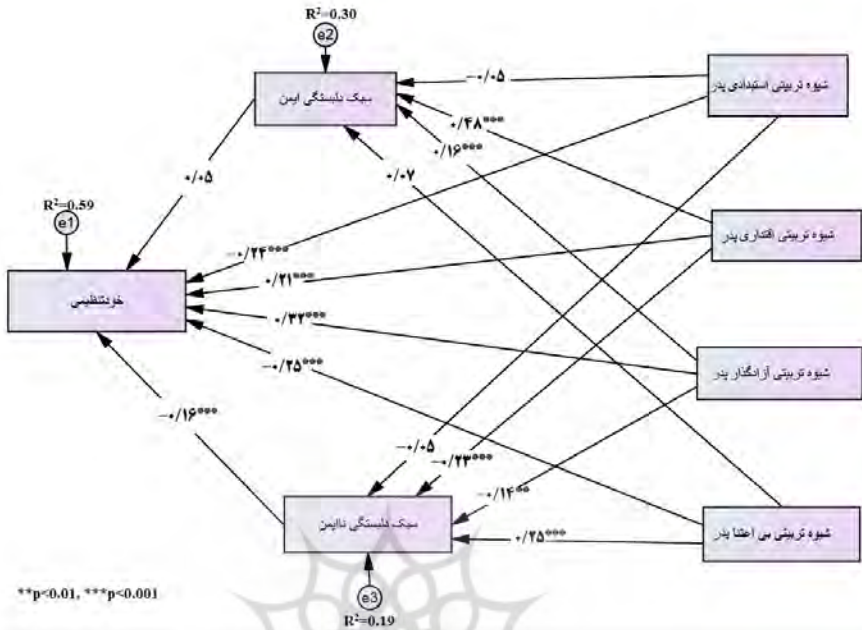
قبل از پرداختن به آزمون مدل نظری پژوهش، باید بین متغیرهای مدل نظری همبستگی وجود داشته باشد. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (مدل مادران داخل پارانتر و سایر اعداد مدل پدران)

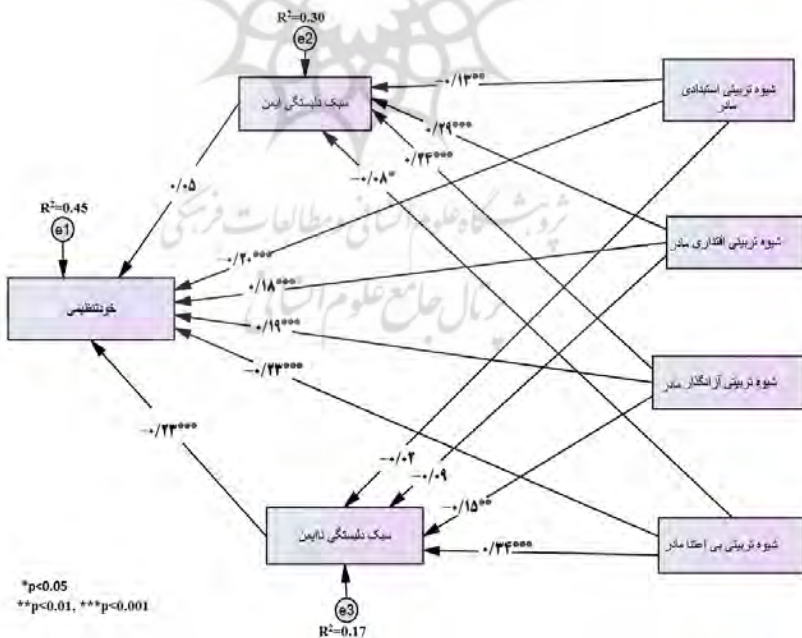
شماره	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	شیوه تربیتی استبدادی	۱	-	-	-	-	-
۲	شیوه تربیتی اقتداری	-۰/۱۷**	۱	-	-	-	-
		(-۰/۳۰**)					
۳	شیوه تربیتی آزادگذار	-۰/۲۲**	۰/۳۳**	۱	-	-	-
		(-۰/۲۴**)	(۰/۵۶**)				
۴	شیوه تربیتی بی‌اعتنا	۰/۱۶**	-۰/۳۳**	-۰/۱۴**	۱	-	-
		(۰/۲۶**)	(-۰/۱۵**)	(-۰/۰۲)			
۵	سبک دلبستگی ایمن	-۰/۱۶**	۰/۵۱**	۰/۳۲**	-۰/۱۲**	۱	-
		(-۰/۲۹**)	(۰/۴۸**)	(۰/۴۴**)	(-۰/۱۷**)		
۶	سبک دلبستگی ناایمن	۰/۰۶	-۰/۳۵**	-۰/۲۴**	۰/۳۴**	-۰/۲۶**	۱
		(۰/۱۳**)	(-۰/۲۲**)	(-۰/۲۰**)	(۰/۳۵**)	(-۰/۲۶**)	
۷	خودتنظیمی	-۰/۴۰**	۰/۵۲**	۰/۵۴**	-۰/۴۶**	۰/۳۷**	-۰/۴۲**
		(-۰/۴۰**)	(۰/۴۵**)	(۰/۴۱**)	(-۰/۳۹**)	(۰/۳۷**)	(-۰/۴۲**)

** $p < 0.01$

برای پیش‌بینی خودتنظیمی معنادان، مدل مفهومی پیشنهاد شده از طریق تحلیل مسیر به روش بیشینه احتمال^۱ بررسی شد. در شکل ۱ مدل آزمون شده پژوهش برای مدل پدران و در شکل ۲ مدل آزمون شده برای مادران گزارش شده است.



شکل ۱: مدل آزمون شده خودتنظیمی معنادان (مدل پدران)



شکل ۲: مدل آزمون شده خودتنظیمی معنادان (مدل مادران)

اثرات مستقیم مدل آزمون شده در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: اثرات مستقیم مدل آزمون شده پژوهش

مسیرها		مدل پدران			مدل مادران		
	اثر مستقیم	آماره t	معناداری	نتیجه	اثر مستقیم	آماره t	معناداری
به روی خودتنظیمی از طریق							
دلبستگی ایمن	۰/۰۵	۱/۴۸	۰/۱۳	حمایت نشد	۰/۰۵	۱/۲۱	۰/۲۲
دلبستگی نایمن	-۰/۱۶	-۴/۸۹	۰/۰۰۱	حمایت شد	-۰/۲۳	-۵/۹۶	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی استبدادی	-۰/۲۴	-۷/۵۶	۰/۰۰۱	حمایت شد	-۰/۲۰	-۵/۲۰	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی اقتداری	۰/۲۱	۵/۴۵	۰/۰۰۱	حمایت شد	۰/۱۸	۴/۰۲	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی آزادگذار	۰/۳۲	۹/۶۹	۰/۰۰۱	حمایت شد	۰/۱۹	۴/۱۹	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی بی اعتنا	-۰/۲۵	-۷/۳۷	۰/۰۰۱	حمایت شد	-۰/۲۳	-۵/۸۱	۰/۰۰۱
به روی دلبستگی ایمن از طریق							
شیوه تربیتی استبدادی	-۰/۰۵	-۱/۲۶	۰/۲۰	حمایت نشد	-۰/۱۳	-۳/۰۳	۰/۰۰۲
شیوه تربیتی اقتداری	۰/۴۸	۱۰/۷۹	۰/۰۰۱	حمایت شد	۰/۲۹	۶/۰۱	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی آزادگذار	۰/۱۶	۳/۷۸	۰/۰۰۱	حمایت شد	۰/۲۴	۴/۹۹	۰/۰۰۱
شیوه تربیتی بی اعتنا	۰/۰۷	۱/۵۹	۰/۱۱	حمایت نشد	-۰/۰۸	-۲/۰۲	۰/۰۴
به روی دلبستگی نایمن از طریق							
شیوه تربیتی استبدادی	-۰/۰۵	-۱/۰۷	۰/۲۸	حمایت نشد	-۰/۰۲	-۰/۳۷	۰/۷۰
شیوه تربیتی اقتداری	-۰/۲۳	-۴/۸۱	۰/۰۰۱	حمایت شد	-۰/۰۹	-۱/۶۷	۰/۰۹
شیوه تربیتی آزادگذار	-۰/۱۴	-۳/۰۱	۰/۰۰۳	حمایت شد	-۰/۱۵	-۲/۹۳	۰/۰۰۳
شیوه تربیتی بی اعتنا	۰/۲۵	۵/۵۲	۰/۰۰۱	حمایت شد	۰/۳۴	۷/۴۶	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در مدل پدران اثر مستقیم شیوه تربیتی استبدادی (۰/۲۴-)، شیوه تربیتی بی‌اعتنا (۰/۲۵-) و سبک دلبستگی نایمن (۰/۱۶-) بر خودتنظیمی منفی می‌باشد. اثر مستقیم شیوه تربیتی اقتداری (۰/۲۱) و آزادگذار (۰/۳۲) نیز بر این متغیر مثبت می‌باشد. اثر مستقیم شیوه تربیتی اقتداری (۰/۴۸) و آزادگذار (۰/۱۶) بر سبک دلبستگی ایمن مثبت می‌باشد. اثر مستقیم سبک تربیتی اقتداری (۰/۲۳-) و آزادگذار (۰/۱۴-) بر سبک دلبستگی نایمن منفی می‌باشد. همچنین اثر مستقیم سبک تربیتی بی‌اعتنا (۰/۲۵) بر سبک دلبستگی ایمن مثبت می‌باشد. در مدل مادران، اثر مستقیم شیوه تربیتی استبدادی (۰/۲۰-)، شیوه تربیتی بی‌اعتنا (۰/۲۳-) و سبک دلبستگی نایمن (۰/۲۳-) بر خودتنظیمی منفی می‌باشد. اثر مستقیم شیوه تربیتی اقتداری (۰/۱۸) و آزادگذار (۰/۱۹) نیز بر این متغیر مثبت می‌باشد. اثر مستقیم شیوه تربیتی اقتداری (۰/۲۹) و آزادگذار (۰/۲۴) بر

سبک دلبستگی ایمن مثبت می باشد. اثر مستقیم سبک تربیتی استبدادی (۰/۲۳-) و بی اعتنا (۰/۰۸-) بر این متغیر منفی می باشد. اثر مستقیم سبک تربیتی آزادگذار (۰/۱۵-) بر سبک دلبستگی ناایمن منفی می باشد. همچنین اثر مستقیم سبک تربیتی بی اعتنا (۰/۳۴) بر سبک دلبستگی ایمن مثبت می باشد. علاوه بر آن در مدل پدران شیوه تربیتی والدین ۳۰ درصد از واریانس سبک دلبستگی ایمن و ۱۹ درصد از تغییرات دلبستگی ناایمن را تبیین می کنند. شیوه های تربیتی والدین و سبک های دلبستگی نیز در مجموع ۵۹ درصد از تغییرات خودتنظیمی را پیش بینی می کنند. در مدل مادران شیوه تربیتی والدین ۳۰ درصد از واریانس سبک دلبستگی ایمن و ۱۷ درصد از تغییرات دلبستگی ناایمن را تبیین می کنند. شیوه های تربیتی والدین و سبک های دلبستگی در مجموع ۴۵ درصد از تغییرات خودتنظیمی را پیش بینی می کنند.

در مطالعه حاضر از آزمون بوت استرپ برای برآورد معناداری اثرات غیرمستقیم و نقش میانجی متغیرها استفاده شد.

جدول ۵: نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم مدل پژوهش

مدل مادران		مدل پدران		مسیرها
نتیجه	اثر غیر مستقیم معناداری	نتیجه	اثر غیر مستقیم معناداری	
میانجی دلبستگی ایمن به خودتنظیمی از:				
حمایت نشد	۰/۰۶	حمایت نشد	۰/۱۴	شیوه تربیتی استبدادی -۰/۰۴
حمایت نشد	۰/۱۱	حمایت نشد	۰/۲۲	شیوه تربیتی اقتداری ۰/۰۳
حمایت نشد	۰/۰۹	حمایت نشد	۰/۱۵	شیوه تربیتی آزادگذار ۰/۰۱
حمایت نشد	۰/۰۹	حمایت نشد	۰/۱۵	شیوه تربیتی بی اعتنا ۰/۰۰۵
میانجی دلبستگی ناایمن به خودتنظیمی از:				
حمایت نشد	۰/۹۷	حمایت نشد	۰/۵۵	شیوه تربیتی استبدادی ۰/۰۱
حمایت شد	۰/۰۵	حمایت شد	۰/۰۰۵	شیوه تربیتی اقتداری ۰/۰۴
حمایت شد	۰/۰۰۷	حمایت شد	۰/۰۱	شیوه تربیتی آزادگذار ۰/۰۲
حمایت شد	۰/۰۰۴	حمایت شد	۰/۰۰۴	شیوه تربیتی بی اعتنا -۰/۰۴

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می شود سبک دلبستگی ایمن در روابط بین شیوه های فرزندپروری و خودتنظیمی در مدل مادران و پدران نقش میانجی ندارد. نقش میانجی سبک دلبستگی ناایمن در روابط بین شیوه فرزندپروری استبدادی و خودتنظیمی در

مدل پدران و مادران نیز معنادار نیست، ولی نقش میانجی سبک دلبستگی ناایمن در روابط بین شیوه‌های فرزندپروری اقتداری، آزادگذار و بی‌اعتنا با خودتنظیمی در مدل پدران و مادران معنادار است.

برای بررسی برازش مدل آزمون شده از سه دسته شاخص‌های برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد^۱ استفاده شد. در این پژوهش شاخص نیکویی برازش^۲، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^۳ و ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده^۴ به عنوان شاخص‌های برازش مطلق، شاخص برازش تطبیقی^۵، شاخص برازش هنجار شده^۶ و شاخص برازش هنجار نشده^۷ به عنوان شاخص‌های برازش تطبیقی و مجذور خی بر درجه آزادی، شاخص برازش ایجاز^۸ و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۹ به عنوان شاخص‌های برازش مقتصد در نظر گرفته شدند. شاخص‌های برازش در جدول ۶ ارائه شده‌اند.

جدول ۶: شاخص‌های نیکویی برازش مدل‌های آزمون شده

شاخص‌های برازش مطلق			شاخص
SRMR	AGFI	GFI	مدل پدران
۰/۰۳	۰/۹۲	۰/۹۹	مدل مادران
۰/۰۴	۰/۸۷	۰/۹۹	حد قابل پذیرش
کمتر از ۰/۰۵	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰	
شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص
NNFI	NFI	CFI	مدل پدران
۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۹	مدل مادران
۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	حد قابل پذیرش
بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	
شاخص‌های برازش تعدیل یافته			شاخص
RMSEA	PNFI	X ² /df	مدل پدران
۰/۰۷	۰/۶۳	۲/۵۰	مدل مادران
۰/۰۷	۰/۶۲	۲/۳۶	حد قابل پذیرش
کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۶۰	کمتر از ۳	

1. Absolute, Comparative, & Parsimonious
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index
4. Standardized Root Mean Squared Residual

5. Comparative Fit Index
6. Normed Fit Index
7. Non-Normed Fit Index
8. Parsimony Fit Index
9. Root Mean Square Error of Approximation

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهند که مدل‌های آزمون شده یعنی مدل پدران و مادران از برآزش خوبی برخوردار هستند. این امر نشانگر مناسب بودن داده‌ها با مدل نظری پژوهش می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از آزمون مدل مفهومی نشان داد، سبک والدینی استبدادی و بی‌اعتنا (در مدل پدران و مادران) بر خودتنظیمی اثر مستقیم منفی دارد؛ سبک تربیتی اقتداری و آزادگذار در هر دو مدل بر خودتنظیمی اثر مثبت دارد؛ این نتایج همسو با نتایج تحقیقات (هانت، ۲۰۱۳؛ مانزسکه و استریکت، ۲۰۰۹؛ اوکوروودو، ۲۰۱۰؛ زینالی، ۲۰۱۴؛ جزایری و دهقانی، ۱۳۸۳) می‌باشند. همچنین این یافته با این دیدگاه هانت (۲۰۱۳) نیز همسو می‌باشد که باور دارد، سبک والدینی مستبدانه با الگوهای منفی از رشد اجتماعی-هیجانی مرتبط است. همچنین والدین سبک مستبدانه ممکن است یک عامل خطری برای رشد مشکلات رفتاری در کودکان باشند. در این زمینه، مانزسکه و استریکت (۲۰۰۹) در پژوهشی که به بررسی ارتباط سبک والدینی مادران (شامل گرمی، کنترل رفتاری و کنترل روانشناختی) و تنظیم هیجان کودکان پرداختند به این نتیجه رسیدند که سطح بالایی از کنترل مادرانه، مخصوصاً کنترل روان‌شناختی با سطح پایینی از تنظیم هیجان در کودکان مرتبط است. زینالی (۲۰۱۴) نشان داد سبک والدینی مستبد ارتباط منفی با خودتنظیمی کودکان دارد و سبک والدینی مستبد به صورت منفی پیش‌بین خودتنظیمی در کودکان می‌باشد. مویلان (۲۰۱۰) نیز بر این باور است که سطوح بالایی از کنترل روان‌شناختی از رشد توانایی‌های خودتنظیمی جلوگیری می‌کند که به تدریج تلاش کودکان را برای سازماندهی مستقل برنامه‌ها و اهداف به مخاطره می‌اندازد (به نقل از زینالی، ۲۰۱۴).

مطالعه سلینگمن و ریدر، (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که سطوح بالای کنترل‌گری در میان والدین مستبد از رشد توانایی‌های خودتنظیمی جلوگیری می‌کند که به تدریج تلاش کودکان را برای سازماندهی مستقل برنامه‌ها و اهداف به مخاطره می‌اندازد، به طوری که

شکست در خودتنظیمی می‌تواند افراد را به سمت اعتیاد به مصرف مواد یا الگوی شبیه اعتیاد با رفتارهای غیرمصرفی سوق دهد. منطقی به نظر می‌رسد که سبک والدینی استبدادی تاثیر منفی بر خودتنظیمی در افراد وابسته به مواد داشته باشد؛ سبک بی‌اعتنا نیز حالت مشابهی دارد. در این سبک والدین توقع (و کنترل) بالا و پذیرش (و پاسخ‌گو بودن) پایینی دارند. این والدین ممکن است متخاصم و ردکننده بوده یا بی‌تفاوت باشند. در این زمینه پژوهش زینالی (۲۰۱۴) نشان داد سبک والدینی بی‌اعتنای مادران ارتباط منفی با خودتنظیمی کودکان دارد و سبک والدینی بی‌اعتنای مادران به صورت منفی پیش‌بین خودتنظیمی در کودکان می‌باشد. والدین بی‌اعتنا موجب آسیب به کودکان شده و ممکن است نقشی در رشد رفتار ضد اجتماعی، پرخاشگری و کاهش عزت نفس کودکان داشته باشند. از آنجایی که خودتنظیمی با سلامت روان و عزت نفس بالا در ارتباط می‌باشد، می‌توان بیان داشت که سبک بی‌اعتنا می‌تواند اثر منفی بر خودتنظیمی داشته باشد. در حالی که سبک والدینی مستبد و بی‌اعتنا مانع رشد خودتنظیمی می‌شوند، سبک‌های والدینی آزادگذار و خصوصا مقتدر برعکس می‌توانند مولد خودتنظیمی نیز باشند. مطالعه مال‌نین، راسموسن و والکر^۱ (۲۰۱۵) نشان داد که سبک والدینی مقتدر و آزادگذار به واسطه افزایش عزت نفس، استقلال و اعتماد به نفس منجر به افزایش خودتنظیمی فرزندان می‌شوند، کمبود عزت نفس و سطوح پائین خودتنظیمی نیز از دلایلی هستند که در مطالعه فیشر و براون (۲۰۱۰) به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به مواد تشخیص داده شده‌اند. همچنین، مویلان (۲۰۱۰) بر این باور است که سطح بالایی از گرمی و عاطفه بالا و کنترل رفتاری منجر به ارتقا توانایی‌های خودتنظیمی می‌شود (به نقل از زینالی، ۲۰۱۴). خودتنظیمی نیز یک عامل مهمی در کمک به پیشگیری جوانان از رفتارهای پرخطر و عاملی برای کمک به نوجوانان برای اجتناب از پیامدهای مرتبط با رفتارهای پرخطر می‌باشد. می‌توان گفت که سبک والدینی مقتدرانه و آزادگذار تاثیر مثبتی بر خودتنظیمی

دارد، بدین صورت که این سبک با اعمال کنترل کمتر و پذیرش بیشتر، فعالیت‌های کودکان را محدود نمی‌کنند و موجب رشد خودکنترلی در افراد می‌شود.

یکی دیگر از یافته‌ها، نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در روابط بین سبک‌های فرزندپروری و خودتنظیمی بود، که در قالب اثرات غیرمستقیم بررسی گردید. در مورد نقش واسطه سبک‌های دلبستگی در روابط بین سبک‌های تربیتی و خودتنظیمی، برخی مطالعات همچون مطالعه قنبری هاشم‌آبادی، گراوند، محمدزاده و حسینی (۱۳۹۰) نشان داده بین سبک تربیتی مستبدانه و سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی وجود دارد. همچنین، زينالي و همكاران (۲۰۱۱) نشان دادند سبک والدینی مقتدر منجر به رشد خودتنظیمی از طریق سبک دلبستگی ایمن می‌شود. نتایج پژوهش دوينيتا و ماریا (۲۰۱۵) نشان داد سبک والدینی مقتدر با دلبستگی ایمن رابطه دارد. مطالعات یادشده در زمینه نقش میانجی سبک دلبستگی ایمن با نتایج مطالعه حاضر ناهمسو، ولی در مورد نقش میانجی سبک دلبستگی نایمن همسو با نتایج مطالعه حاضر می‌باشد. یافته‌های مطالعه حاضر در زمینه عدم تائید نقش میانجی سبک دلبستگی ایمن با نتایج پژوهش اختر (۲۰۱۰) که نشان داد بین سبک والدینی مقتدرانه و دلبستگی ایمن هیچ رابطه‌ای وجود ندارد، همسو است. علت عدم معناداری رابطه سبک‌های فرزندپروری به واسطه سبک دلبستگی ایمن بر روی خودتنظیمی را باید در ویژگی‌های نمونه آماری مورد مطالعه جستجو کرد. به این صورت که سبک‌های تربیتی و شکل‌گیری سبک دلبستگی متأثر از شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها می‌باشد (مک‌لوید، ۱۹۹۰)، این در حالی است که شرایط نامناسب افراد معتاد و خانواده‌های آنان می‌تواند نتایج را سودار سازد. از سوی دیگر با افزایش سن، فراوانی و شدت رفتارهای دلبستگی کاهش پیدا می‌کند (ناصریان، ۱۳۹۳). این در حالی است که در این پژوهش بیشترین سن در محدوده ۳۱ تا ۴۰ سال بود. بنابراین فراوانی و شدت رفتار دلبستگی کاهش یافته و این امر باعث شده تا دلبستگی نقش واسطه‌ای در رابطه بین سبک والدینی و خودتنظیمی ایفا نکند. این تبیین همچنین می‌تواند در توضیح عدم معناداری سبک‌های والدینی استبدادی به واسطه سبک دلبستگی نایمن بر روی خودتنظیمی نیز مقبول واقع شود. با این حال رابطه سبک‌های اقتداری، آزادگذار و بی‌اعتنا بر خودتنظیمی

به واسطه سبک دلبستگی نایمن معنادار بود. بر این اساس محدود بودن نمونه را می‌توان از محدودیت‌های مطالعه در نظر گرفت.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که سبک تربیتی اقتداری و آزادگذار اثر غیرمستقیم مثبت بر خود تنظیمی دارند. در تبیین این رابطه می‌توان اذعان داشت که استفاده از سبک والدینی مقتدرانه، آزادگذار و سبک‌های تربیتی که دارنده آزادی بیشتر برای فرزند، احترام به فرزند و عدم کنترل را دارا باشند، باعث کاهش یافتن رشد دلبستگی نایمن در افراد شده و کاهش دلبستگی نایمن به نوبه خود رشد مهارت‌های خودتنظیمی را به دنبال خواهد داشت (اوکوردودو، ۲۰۱۰). اثر غیرمستقیم سبک تربیتی بی‌اعتنا به واسطه دلبستگی نایمن بر خودتنظیمی منفی بود. این یافته همسو با نتایج پژوهش زینالی و همکاران (۲۰۱۱) است. زینالی و همکاران معتقدند سبک والدینی بی‌اعتنا ارتباط مثبتی با حساسیت اعتیادپذیری از طریق سبک دلبستگی نایمن و خودتنظیمی دارد. در این زمینه می‌توان اذعان داشت، استفاده از سبک والدینی بی‌اعتنا، باعث افزایش یافتن رشد دلبستگی نایمن در افراد شده و افزایش دلبستگی نایمن به نوبه خود کاهش مهارت‌های خودتنظیمی را به دنبال خواهد داشت. باید خاطر نشان نمود که سبک‌های دلبستگی و خودتنظیمی آزمون‌های خودسنجی هستند و اتکای یافته‌های پژوهش به داده‌های حاصل از گزارش شخصی افراد می‌تواند به عنوان یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش در نظر گرفته است. برحسب یافته‌های مطالعه حاضر پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در دیگر فرهنگ‌های متفاوت و دیگر نقاط کشور انجام گیرد تا نقش عامل فرهنگ در زمینه این متغیرها بررسی شده و همچنین نتایج قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری پیدا کنند. در نهایت می‌توان اذعان داشت با توجه به این که خودتنظیمی قابل آموزش است و می‌توان آن را آموزش داد، لذا مسئولین مراکز و متولیان سلامت در حیطه اعتیاد می‌توانند برای افراد وابسته به مواد و دیگر اعضای جامعه، برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی در خصوص خودتنظیمی برای اجتناب از مصرف مواد برگزار کنند.

منابع

بشارت، محمدعلی؛ نوربخش، سیده نجمه؛ رستمی، رضا؛ فراهانی، حجت اله (۱۳۹۱). نقش تعدیل کننده خودتنظیم گری در رابطه بین سبک های دلبستگی و شدت اختلال های مصرف مواد. *مجله روان شناسی بالینی*، ۴(۳)، ۲۱-۳۲.

جزایری، علیرضا؛ و دهقانی، محمود (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی، اعتیاد و نیمرخ روانی افراد معتاد در مقایسه با افراد غیر معتاد، *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۲(۶)، ۲۲-۴۵.

دباغی، پرویز؛ اصغر نژاد فرید، علی اصغر؛ عاطف وحید، محمد کاظم؛ و بوالهروی؛ جعفر (۱۳۸۶). اثربخشی شناخت درمانی گروهی بر پایه تفکر نظاره ای (ذهن آگاهی) و فعال سازی طرحواره های معنوی در پیش گیری از عود مصرف مواد افیونی. *مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۴)، ۳۶۶-۳۷۵.

انجمن روان پزشکی آمریکا (۲۰۰۸). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی DSM-5*. ترجمه فرزین رضاعی؛ سیدعلی فخرايي؛ آتوسا فرمند؛ علی نیلوفری؛ ژانت هاشمی آذر؛ و فرهاد شاملو (۱۳۹۳). نوبت چاپ: یکم

رضایی، آذر میدخت؛ اسفندیاری تشویه، فریبا؛ و سروقد، سیروس (۱۳۸۹). بررسی رابطه نگرش خوردن و خودتنظیمی با سبک زندگی در زنان چاق و عادی. *جامعه شناسی زنان (زن و جامعه)*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۲۸.

زینالی، علی؛ شریفی، حسن پاشا؛ عنایتی، میرصلاح الدین؛ عسگری، پرویز؛ و پاشا، غلامرضا (۱۳۹۰). گسترش و روسازی پرسش نامه شیوه های تربیتی والدین. *فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی*، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۲۹.

شعبانی، امامعلی؛ و گیگلو مرادی، رقیه (۱۳۹۴)، اعتیاد و مصرف مواد مخدر در قرون میانه تاریخ ایران. *تحقیقات تاریخی اجتماعی*، ۵(۲)، ۱۲۴-۱۰۳.

قنبری هاشم آبادی، بهرام علی؛ حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰)، رابطه بین سبک های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی، *جامعه شناسی زنان*، ۲(۳)، ۳۹-۶۰.

گل محمدی، یحیی (۱۳۹۰). *رابطه بین سبک های دلبستگی و شیوه های فرزندپروری ادراک شده با خودکارآمدی دانشجویان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی.

ناصریان، حمید (۱۳۹۳). نقش سوگیری‌های اسنادی و خصومت در میانجی‌گری رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و پرخاشگری نوجوانان پسر دوره راهنمایی شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.
- Ainsworth, G. C. (2008). *Ainsworth & Bisby's dictionary of the fungi*. Cabi.
- Akhtar, Z. (2012). The Effect of Parenting Style of Parents on the Attachment Styles of Undergraduate Students. *Language in India (Strength for Today and Bright Hope for Tomorrow)*, 12, 555-566.
- Alam-mehrjerdi, Z., Mokri, A., & Dolan, K. (2015). Methamphetamine use and treatment in Iran: a systematic review from the most populated Persian Gulf country. *Asian journal of psychiatry*, 16, 17-25.
- Bakhshani, N.M., Hossienbor, M. (2013). A Comparative Study of Self Regulation in Substance Dependent and Non-Dependent Individuals. *Global Journal of Health Science*, 5(6), 40-45.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4, 1° 103. DOI: 10.1037/h0030372.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Becona, E., Martínez, Ú., Calafat, A., Juan, M., Fernández-Hermida, J.R., Secades-Villa, R. (2012). Parental styles and drug use: A review. *Education, prevention and policy*, 19(1), 1° 10.
- Berge, J., Sundell, K., Öjehagen, A., & Håkansson, A. (2016). Role of parenting styles in adolescent substance use: results from a Swedish longitudinal cohort study. *BMJ open*, 6(1), DOI: 10.1136/bmjopen-2015-008979.
- Blom, D., van Middendorp, H., Geenen, R. (2012). Anxious attachment may be a vulnerability factor for developing embitterment. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 85, 351° 355.
- Bowlby, J. (2008). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. Basic books.
- Carey, K.B., Neal, D.J., Collins, S.E. (2004). A psychometric analysis of the self-regulation questionnaire. *Addictive Behaviors*, 29, 253° 260.
- Doinita, N., Dorina Maria, N. (2015). Attachment and Parenting Styles. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 203, 199° 204.
- Everitt, B. J., & Robbins, T. W. (2016). Drug addiction: updating actions to habits to compulsions ten years on. *Annual review of psychology*, 67, 23-50.

- Fisher, H. E., & Brown, L. L. (2010). Reward, addiction, and emotion regulation systems associated with rejection in love. *Journal of neurophysiology*, 104(1), 51-60.
- Fowler, J. C., Groat, M., & Ulanday, M. (2013). Attachment style and treatment completion among psychiatric inpatients with substance use disorders. *The American Journal on Addictions*, 22(1), 14-17.
- Green, B. L., Furrer, C., & McAllister, C. (2007). How do relationships support parenting? Effects of attachment style and social support on parenting behavior in an at risk population. *American Journal of Community Psychology*, 40(1-2), 96-108.
- Griffin, K.W., Botvin, G.J. (2010). Evidence-Based Interventions for Preventing Substance Use Disorders in Adolescents. *Child and adolescent psychiatric clinics of North America*, 19(3), 505° 526.
- Hatamya, A., Fathia, E., Gorjib, Z., Esmailyc, M. (2011). The Relationship between parenting styles and Attachment Styles in men and women with infidelity. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 3743° 3747.
- Hunt, I.C. (2013). Associations Between Different Parenting Styles and Child Behavior. *PCOM Psychology Dissertations*. Retrieved of: http://digitalcommons.pcom.edu/psychology_dissertations/262.
- Maccoby, E. E., Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P H. Mussen, E. M. Hetherington. *Manual of child psychology, Social development*. New York: John Wiley and Sons.
- Manzeske, D.P., Stright, A.D. (2009). Parenting Styles and Emotion Regulation: The Role of Behavioral and Psychological Control During Young Adulthood. *Journal of Adult Development*, 16, 223-230. DOI:10.1007/s10804-009-9068-9.
- Moilanen, K. L., Rasmussen, K. E., & Padilla- Walker, L. M. (2015). Bidirectional associations between self- regulation and parenting styles in early adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, 25(2), 246-262.
- Okorodudu, G. N. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. *Edo Journal of Counselling*, 3(1), 58-86.
- Polek, E., Van Oudenhoven, J. P., & Ten Berge, J. M. F. (2008). Attachment styles and demographic factors as predictors of sociocultural and psychological adjustment of Eastern European emigrants in the Netherlands. *International Journal of Psychology*, 43, 919-928.
- Sigelman, C.K., Rider, E.A. (2014). *Life-Span Human Development*. Publisher: Cengage Learning.
- Van Oudenhoven, J. P., Hofstra, J., & Bakker, W. (2003). Ontwikkeling en evaluatie van de Hechtingstijlvragenlijst (HSL) [Development and evaluation of the Attachment Styles Questionnaire]. *Nederlands Tijdschrift voor de Psychologie*, 58, 95-102.

- Vohs, K. D., & Baumeister, R. F. (Eds.). (2016). *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*. Guilford Publications.
- Waters, S.F., Virmani, E.A. Thompson, R.A., Meyer, S., Raikes, H.A., Jochem, R. (2010). Emotion Regulation and Attachment: Unpacking Two Constructs and Their Association. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 32, 37° 47. DOI: 10.1007/s10862-009-9163-z.
- Zeinali, A. (2014). Relationship of Attachment Styles with Addiction Susceptibility in Children. *Journal of Applied Science and Agriculture*, 9(3), 1321-1327.
- Zeinali, A., Sharifi, H. P., Enayati, M. S., Asgari,P., Pasha. G. (2011). The mediational pathway among parenting styles, attachment styles and self-regulation with addiction susceptibility of adolescents. *Research in Medical Sciences*, 16(9), 1105-1121.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی